

سیاست‌های ارزی و ارزش پول ملی

تیمور رحمانی

در میان اقتصادخوانده‌ها به ویژه در کشورهای در حال توسعه دچار کسری تراز پرداخت‌ها همواره یک منازعه راجع به ارزش پول ملی وجود داشته است؛ آیا افزایش نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی سیاست صحیحی است یا خیر؟ وزن غالب با اقتصاد خوانده‌هایی بوده است که افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی را به صلاح می‌دانسته‌اند.

البته هنگامی که صحبت از افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی مطرح می‌شود، اساساً سوال با واکنش منفی روبه‌رو می‌شود و برخی به دنبال آن بوده‌اند که از طریق بحث‌های هنجاری، این موضوع را به یک تابو تبدیل کنند. بر همین اساس، روش صحیح پرداختن به موضوع تمایز بین دو مقوله کاهش دادن ارزش پول ملی و کاهش یافتن ارزش پول ملی است.

مقوله اول هنگامی اتفاق می‌افتد که کشوری با وجود آنکه می‌تواند ارزش پول ملی را در سطح موجود نگه دارد، تعمداً و برای دستیابی به اهدافی، اقدام به کاهش دادن ارزش پول ملی یا افزایش نرخ ارز می‌کند (این موضوع غالباً در نظام نرخ ارز ثابت موضوعیت پیدا می‌کند). مقوله دوم هنگامی اتفاق می‌افتد که در یک نظام با نرخ ارز شناور با شناور مدیریت شده عوامل بنیادی و در نهایت کسری تراز پرداخت‌ها و لذا اضافه تقاضا در بازار سبب فشار برای افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی می‌شود. آنچه در ایران رخ داده است کاهش دادن نبوده است، بلکه کاهش یافتن اجتناب‌ناپذیر بوده است. طبیعی است تا زمانی که کاهش دادن ارزش پول ملی یا کاهش یافتن ارزش پول ملی محدود باشد، عوارض و پیامدهای چندانی ندارد و به همین دلیل نیز قابل تحمل است. اما هنگامی که این کاهش ارزش پول ملی یا افزایش نرخ ارز شدید و شبیه به آنچه در ایران باها اتفاق افتاده است در حد ۱۰۰ درصد یا ۲۰۰ درصد باشد، هیچ خشنودی و خوشایندی به همراه ندارد. بسیار دور از ذهن است که هیچ اقتصاد خوانده‌ای (با هر برچسبی که به او داده شود) از جهش شدید نرخ ارز احساس رضایت کند. (جهش‌هایی که خارج از اراده سیاست‌گذار است و بر اثر عوامل بنیادی بر اقتصاد تحمیل می‌شود) واضح است که جهش‌های شدید ارزی از یکسو سبب باز توزیع گسترده ثروت عمدتاً به سمت دهک‌های بالای درآمدی و از سوی دیگر سبب شوک هزینه‌ای (به ویژه در مورد ایران که بسیار به مواد اولیه و واسطه‌ای وابسته است) و در نتیجه تشدید تورم و صدمه دیدن دهک‌های پایین درآمدی می‌شود. همچنین، سبب صدمه شدید به تولید کنندگانی می‌شود که برای مدت طولانی با یارانه نرخ ارز پایین خود را وفق داده‌اند و در نهایت بی‌ثباتی حاصل از جهش‌های ارزی اثر بازدارنده در سرمایه‌گذاری دارد.

بنابراین، متهم کردن اقتصاد خوانده‌هایی که افزایش نرخ ارز را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند به این موضوع که در درونج حاصل از این افزایش را نمی‌فهمند و بسا توصیه افزایش نرخ ارز در راستای تامین منافع گروه‌های بهره‌مند و مرفه گام برمی‌دارند، تحلیلی بسیار به دور از واقعیت و انصاف است. اقتصاد خوانده‌ای که از درد و رنج دهک‌های پایین درآمدی دچار اندوه نشود از عواطف انسانی که هدیه خداوند است بهره‌ای نبرده، گرچه بعید می‌دانم چنین اقتصاد خوانده‌ای وجود داشته باشد. نویسنده تا آنجا که اطلاع دارم شخص رئیس‌جمهور و رئیس جدید بانک مرکزی و بسیاری دیگر از مسوولان کشور نیز به شدت از افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی ناخشنود هستند و اساساً مقاومت در برابر افزایش نرخ ارز در طول سه سال اخیر ریشه در این ناخشنودی دارد؛ بنابراین ناخشنودی از کاهش ارزش پول ملی یک ناخشنودی مشترک میان سیاسیون، اقتصاد خوانده‌ها و مردم است. البته این به معنی تایید سیاست‌هایی که در طول چند سال گذشته زمینه کاهش ارزش پول ملی را فراهم کرده است، نیست، بلکه صرفاً یادآوری این نکته است که همه ما از کاهش ارزش پول ملی ناخشنودیم.

حال پرسش این است که آیا افزایش نرخ ارز یک سیاست از پیش تعیین شده بود یا دارای عوامل بنیادی بوده است؟ نویسنده بیش از دو سال است که به خطر بازگشت تورم و جهش ارزی پرداخته است اما ساده‌ترین دلیل وجود عوامل بنیادی و رای افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی را می‌توان با این نشانه اثبات کرد: «به تدرت اقتصاد خوانده‌ای را می‌توان یافت که از اعلام نرخ ۴۲۰۰ تومانی برای هر دلار دفاع کرده یا نسبت به تعیین این قیمت برای دلار به قناعت رسیده باشد.»

نگاهی به تصمیمات نادرست وزارت صنعت

از چاله تحریم به چاه رانت



مهدی الیاسی، روزنامه‌نگار

« به عقب بر نمی‌گردیم»، این جمله کوتاه اگر چه اصلی‌ترین شعار انتخاباتی حسن روحانی بود اما شواهد نشان می‌دهد در حالی که تنها یکسال از آغاز به کار دولت دوازدهم گذشته است در همه حوزه‌های اقتصادی و سیاسی به عقب باز

گشته‌ایم. اگر در ابتدای تابستان امسال قطعی آب و برق یادآور دهه شصت و بازگشت به عصر سبزه و باد بزن بود، در حوزه اقتصاد نیز بازگشت به نرخ گذاری دستوری دلار و تعیین قیمت ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی بار دیگر نوستالژی دهه شصت و قیمت دستوری دلار ۷ تومانی را در خاطره‌ها زنده کرد. البته یادآوری این نوستالژی برای اقتصاد ایران بسیار دردناک بود چرا که خبرهای سوء استفاده و رانت‌خواری ۲۰ الی ۳۰ میلیارد دلاری از دلار ۴۲۰۰ تومانی، این نوستالژی را این بار به صورت یک تراژدی از مفاصل اقتصادی به نمایش گذاشت.

اما در یک ماه گذشته جدیدترین تجلی بازگشت به دهه شصت را در وزارت صنعت، معدن و تجارت شاهد

هستیم. این وزار خانه با تسلیم

شدن در برابر فشار دلالت و با توسل به بهانه تحریم‌های اقتصادی بار دیگر قیمت‌گذاری دستوری برخی محصولات صنعتی به خصوص در دو حوزه پتروشیمی و فولاد را در دستور کار قرار داد.

فهرست بلند بالای قیمت‌های دستوری

بر اساس دستورالعمل وزارت صنعت در حال حاضر یک فهرست بلند بالا و چند صفحه‌ای از محصولات پتروشیمی و کارخانجات تولید کننده تهیه شده است که بر این اساس نام مجتمع تولیدی، نام محصول پتروشیمی و قیمت محصول بر اساس دلار ۴۲۰۰ تومانی ذکر شده است و تولید کنندگان باید بر مبنای این قیمت‌ها محصولات خود را عرضه کنند.

از سوی دیگر همین شیوه را در صنعت فولاد نیز شاهد هستیم. شرکت‌های تولید کننده محصولات فولادی اولا موظف شده‌اند بدون توجه به این که اسلار در بازار تقاضای واقعی وجود دارد، یک تناژ مشخص را به صورت روزانه در بازار داخل عرضه کنند و از سوی دیگر قیمت پایه نیز به صورت دستوری تعیین شده است و در بورس کالا بر اساس عرضه و تقاضا تنها اجازه داده شده این قیمت

دستوری حداکثر ۵ درصد بالاتر یا پایین‌تر برود.

بورس کالا بلا موضوع شده است

این تصمیمات وزارت صنعت موجب شده عملاً بورس کالا از موضوعیت خارج شود و بار دیگر در حال بازگشت به دوران پیش از تأسیس بورس کالا هستیم. بورس کالا اساساً محل کشف قیمت است. خریداران و فروشندگان در بورس کالا با مکانیسم عرضه و تقاضا فرایندی را طی می‌کنند که در نهایت به کشف قیمت منجر می‌شود. اگر قرار است قیمت‌ها از قبل تعیین شود اساساً فلسفه وجودی بورس کالا چیست؟

فرزاد ارزانی، کارشناس حوزه صنعت در گفت‌وگو با خبرنگار توسعه ایرانی در این خصوص گفت: قیمت‌گذاری دستوری باعث ایجاد مشکلات عدیده می‌شود و در بلند مدت هم جواب نمی‌دهد زیرا صنعت فولاد یک زنجیره دارد که از معدن آغاز می‌شود و به محصول نهایی ختم می‌شود. دولت زمانی می‌تواند قیمت را دستوری کند که تمام این فرایند را کنترل و به صورت قیمت‌گذاری دستوری اداره کند نه این که صرفاً برای یک بخش از این فرایند به

قیمت بازار، رانتی ایجاد کرده که نه به جیب تولید کننده فولاد می‌رود و نه به جیب مصرف کننده محصولات نهایی، بلکه صرفاً به جیب واسطه‌ها و دلالان می‌رود و فشار آن به مصرف کننده و تولید کننده وارد می‌شود. این فعال صنعتی اظهار داشت: کارخانه‌های فولاد برای تولید فولاد نیاز به خرید گندله دارند اما همین الان کمبود گندله وجود دارد زیرا صادرات گندله با توجه به قیمت دلار به صرفه شده است. چرا مواد اولیه و محصولات مورد نیاز فولادسازان به صورت دستوری و با قیمت دستوری تعیین نمی‌شود؟ البته اگر بخواهیم همه این چرخه را دستوری کنیم در یک دور باطل قرار می‌گیریم.

تصمیم وزارت صنعت بدون نظر خواهی از تولید کنندگان

مهدی شکری زاده، مدیر فروش یکی از کارخانه‌های فولادساز کشور نیز در گفت‌وگو با توسعه ایرانی تأکید کرد: در حال حاضر چالش جدی که با آن مواجه هستیم دستورالعمل جدید وزارت صنعت، معدن و تجارت است. بر اساس این دستورالعمل قیمت گذاری محصولات فولادی به صورت دستوری و بر اساس فرمولی با نرخ دلار ۴۲۰۰ تومان تعیین شده است.

همچنین ما را ملزم کرده‌اند یک مقدار قابل توجه از تولیدات مان را حتماً در بازار داخل عرضه کنیم، بدون این که در نظر گرفته باشند شرکتی مانند فولاد هرمزگان ماهیت صادرات محور دارد. حتی در نظر نگرفته‌اند که آیا تقاضای واقعی برای عرضه آن میزان محصول در داخل وجود دارد یا نه؟

شکری زاده افزود: یکی دیگر از مشکلات این است که در قیمت گذاری دستوری، کل زنجیره تولید فولاد از سنگ آهن تا محصول نهایی مانند پروفیل یا خودرو و غیره را در نظر نگرفته‌اند و قیمت گذاری دستوری شامل مراحل قبل و بعد از کارخانه‌های تولید فولاد نیست. در حالی که اگر بنا به قیمت گذاری دستوری است باید شامل همه مراحل بشود.

با شیوه کنونی هم تولید کننده متضرر شده است و هم مصرف کننده نهایی فقط واسطه‌ها سود برده‌اند. الان به صورت دستوری برای محصول تختال ماقیمتی گذاشته‌اند که با قیمت فولاد قراضه برابری می‌کند. این سیاست موجب ایجاد عدم توازن در بازار شده است.

بر اساس دستورالعمل وزارت صنعت در حال حاضر یک فهرست بلند بالا و چند صفحه‌ای از محصولات پتروشیمی و کارخانجات تولید کننده تهیه شده است که بر این اساس نام مجتمع تولیدی، نام محصول پتروشیمی و قیمت محصول بر اساس دلار ۴۲۰۰ تومانی ذکر شده است و تولید کنندگان باید بر مبنای این قیمت‌ها محصولات خود را عرضه کنند

وی در پایان تأکید کرد: ما از مسئولان وزارت صنعت و بورس کالا تقاضا داریم هنگامی که تصمیمی اتخاذ می‌کنند حتماً نظرات تولید کنندگان را هم بشنوند، سپس دستورالعمل‌ها را تدوین و ابلاغ کنند.

ریشه رانت

ریشه رانت در انحراف و اختلافی است که همواره میان قیمت دستوری دولتی و قیمت بازار وجود دارد. از سوی دیگر معمولاً قیمت دستوری دولت در ابتدای سال اعلام شده و این قیمت باید تا انتهای سال توسط تولید کنندگان رعایت شود. چون در قیمت دستوری، نوسانات قیمت بازار در طول سال دیده نمی‌شود همیشه قیمت بازار بالاتر از بهای ابلاغی توسط دولت در ابتدای سال است. در حال حاضر این فاصله قیمت میان قیمت رسمی و قیمت واقعی به یک رانت دلالی تبدیل شده است.

فراموش نکرده‌ایم در دهه شصت و دهه هفتاد محصولات سیمانی با قیمت دستوری و به صورت حواله‌ای فروخته می‌شد و نفس در اختیار گرفتن یک حواله سیمان، رانتی بود که نصیب افراد می‌شد زیرا با فروش همان حواله و نه تنها محصول سیمان می‌توانستند به سودی قابل توجه دست پیدا کنند.

به نظر می‌رسد وزارت صنعت، معدن و تجارت دولت حسن روحانی با قیمت گذاری دستوری، عملاً برای فرار از چاله تحریم‌ها در حال افتادن در چاه ایجاد رانت است. چاه ویلی که انتهای ندارد و با فرو رفتن در آن نمی‌توان هیچ حد یقفی را برایش تصور بود.



و نهادهای مرتبط با امنیت و سلامت فضای مجازی از این امکان برخوردار شده تا فرایند شناسایی و مسدود سازی درگاه‌های متخلف در شبکه شاپرک را با سرعت بیشتری انجام دهد که البته این جریان همراه با شرکت‌های ارائه خدمات پرداخت الکترونیک دنبال می‌شود و در نتیجه آن مسدود سازی درگاه‌های متخلف تسریع شده است.

نیست که تراکنش‌های آنها رصد نشده باشد. با این که این مسئول شرکت شاپرک جزئیات دقیق تری از بررسی تراکنش‌های مربوط به صرافی‌ها اعلام نکرد اما گفت که بعید نیست که برخی معاملات و تراکنش‌ها خارج از شاپرک انجام شده باشد. باید یادآور شد که شرکت شاپرک پس از هماهنگی‌های انجام شده بین دستگاه‌ها

شده و فعالیت آنها قاجاق محسوب می‌شد در نتیجه مشاهدات میدانی از این حکایت داشت که صرافی‌ها معاملات زیرزمینی خود را بدون دستگاه‌های کارت‌خوان انجام می‌دهند به طوری که این دستگاه‌ها را جمع‌آوری کرده و معاملات به طور مستقیم از داخل شعب بانک‌ها انجام و هزینه خرید دلار را بر می‌شد. این در حالی است که طوبایی در مورد اینکه در مدت اخیر و در جریان التهابات بازار ارز تا چه اندازه تراکنش‌های مربوط به صرافی‌ها از طریق شاپرک رصد شده و گزارشی از آن وجود دارد یا خیر، این گونه توضیح داد که به طور طبیعی تراکنش‌های مربوط به صنف‌ها را بررسی می‌کنیم و اگر خارج از عرف باشد، مورد بررسی قرار گرفته و گزارش‌هایی از آن ارائه خواهد شد. اینکه در حوزه‌های به طور مستقیم بررسی‌هایی انجام شود، این گونه نبود ولی در مجموع این طور هم

مسدود شده است. از این تعداد حدود ۳۹۶۴ ملی که مربوط به درگاه‌های مختلف است در لیست سیاه شاپرک قرار گرفت. به گفته این مسئول شاپرک بالغ بر ۹۰ درصد درگاه‌های مسدود شده مربوط به سایت‌های قمار و شرط بندی می‌شود که در مدت گذشته که جام جهانی فوتبال بر گزار شد، بخشی از این درگاه‌های قمار و شرط بندی مربوط به این مسابقات بوده است.

به گزارش ایسنا، در نشست خبری که امروز با حضور مسئولان شاپرک (شرکت شبکه الکترونیک پرداخت کارت) برگزار شد، سرپرست معاونت توسعه و نظارت این شسرتکت به تشریح اقدامات انجام شده در حوزه شناسایی و مسدود سازی درگاه‌های اینترنتی متخلف پرداخت. آن طور که مهدی طوبایی توضیح داد: در ابتدای سال جاری تاکنون حدود ۱۴۲۸ درگاه مشکوک به رفتار غیر متعارف شناسایی شده که ۱۳۰۰ درگاه

مسدودسازی درگاه‌های شرط بندی و قمار

گزارش

شاپرک اعلام کرد